

مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۲-۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مفهوم و معارف مربوط به آموزه «حمد و ثنای الهی»، از منظر قرآن و عزت و آثار تربیتی آن*

دکتر عباسعلی رستمی نسب

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

زینب رستمی نسب

مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه جبرفت

چکیده

حمد و ثنای الهی، در تعالیم پیامبر خاتم و اهل بیت عصمت و طهارت، یکی از موضوع های مهم در تعلیم و تربیت اسلامی است. شناخت فلسفه آن، ما را به حل پاره ای از مسائل تربیتی کمک می نماید، لذا در این پژوهش، جایگاه و نقش تربیتی آن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق از روش کیفی استفاده شده است؛ به این صورت که ابتدا داده ها و اطلاعات مورد نیاز بر اساس سؤال های تحقیق، از منابع معتبر استخراج؛ سپس طبقه بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که حمد و ثنای الهی در منابع مربوط به پیامبر خاتم و اهل بیت او، یک روش تربیتی است که ابتدا تعلیم و تجویز آن از جانب خداوند حکیم و مدبر انجام گرفته است. آثار تربیتی این روش سبب می شود تا به تدریج، عالم دینی و ساختار اعتقادی انسان شکل بگیرد و انسان در آن فضای اعتقادی - توحیدی، نیات و اعمال صحیح را شناسایی و عملیاتی نماید و بدین طریق به کمال شایسته خود برسد. در این علم دینی، خداوند خالق و رب العالمین و مالک یوم الدین است و انسان باید همواره در حال شناخت نعمت های خداوند و حمد و ثنای او باشد.

واژه های کلیدی: جایگاه و آموزه های تربیتی، حمد و ثنای الهی، تعالیم پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت، عالم دینی.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۳۱

rostaminasab@mail.uk.ac.ir

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

هر گونه فکر و فعالیت تربیتی، جایگاهی در فرایند تعلیم و تربیت دارد. اینکه گویند: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد»، عبارتی سنجیده و با حساب است؛ چنانچه در فعالیت های تربیتی، برنامه ریزی دقیق صورت نپذیرد، کارها در موقعیت مناسب خود انجام نگیرند، به هدف مورد نظر رسیده نمی شود. اگر هدف این باشد که انسان های مفیدی برای خود و جامعه تربیت شوند؛ باید دانسته شود که فعالیت تربیتی با چه موضوع هایی باید آغاز گردد و چگونه باید ادامه یابند؟ اگر سنگ بنای اول درست گذاشته نشود، قطعاً آینده مطمئنی رقم نخواهد خورد و هدف رضایتمند حاصل نخواهد شد؛ برای مثال، در آغاز تعلیم و تربیت کودک، نوع نگاه، چهره، تن صدا، کلمات و حروف و عبارات مرتبط با او بسیار مهم است. اینها همه تأثیر گذارند. اگر فعالیت ها سنجیده، شناخته و عمل نشوند، به تعلیم و تربیت صحیح لطمه وارد می شود. «بهترین و گرانمایه ترین روح ها، اگر در معرض تربیت بد قرار گیرد، فاسدتر از دیگران می گردد.» (افلاطون، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۰۹۷)، خیلی مهم است که دانسته شود؛ در جریان رشد، چه موضوع هایی باید به ترتیب جهت تربیت آموخته شود؟ یعنی، آموزش مبتنی بر فطرت این اهمیت زیادی دارد، شناخت آن، نیاز به دانش بالایی است. خداوندی که انسان را آفریده است، او را هدایت فرموده و به حال خود رها نکرده است. تنها او می داند، که چه موضوعی در سرآغاز و در حین تعلیم و تربیت نیاز است؟ تنها او به درستی می داند که در فرایند تعالی انسان، چه فعالیت هایی باید انجام گیرد؟ تمامی رهنمودهای تربیتی انبیاء الهی و اوصیای آنها، بر اساس رهنمودهای الهی صورت می گرفته است. خداوند در قرآن کریم، پیامبر خاتم (ص) را توجه می دهد به موضوع های آموزشی [دین] مبتنی بر فطرت و در این رابطه می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره روم: ۳۰) «روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین

و آیین محکم و استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند.»، تحقیق و پژوهش پیرامون نحوه تعالیم آنها، می‌تواند ما را در شناخت و آموزش بهتر یاری نماید. در تربیت دینی اینکه تعالیم و تربیت را با چه موضوعی باید آغاز کرد و چگونه باید ادامه داد، امری امکان پذیر است؛ زیرا هم در آموزش قرآن کریم و هم در تعالیم پیامبر خاتم و ائمه معصومین به آن توجه شده است؛ لذا در این مقاله به تبیین مفهوم، جایگاه و نقش تربیتی آموزه «حمد و ثنای الهی» از دیدگاه قرآن و عترت پرداخته می‌شود.

۱-۱- بیان مسئله

حمد و ثنای الهی از عمده موضوعاتی است که پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) در ابتدای خطبه‌ها، ادعیه و نامه‌ها به آن پرداخته‌اند. تبیین فلسفه حمد و ثنای الهی، در سرآغاز سخنان و آموزش‌های هدایتی و تربیتی آنان تبیین نشده است. رابطه حمد و ثنای الهی با موضوع‌های بعدی آن، مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است؛ همچنین آثار حمد و ثنای الهی بر تغییر نگرش انسان به عالم و آدم به روشنی بیان نگردیده است. به نظر می‌رسد تحقیق پیرامون این مسائل به فهم دقیقتر انسان به فلسفه وجودی هستی و عناصر آن، کمک قابل توجهی می‌نماید و انسان می‌تواند رابطه عالمانه‌تری با خود و جهان خارج و تأثیر گذار بر او داشته باشد. حمد و ثنای الهی از صفات خداوند و رابطه شناختی انسان با او و رابطه خداوند با نظام آفرینش و مخلوقات سخن به میان می‌آورد. سؤال این است که فلسفه این گفتمان چیست؟ این گفتمان چه تأثیر شناختی بر زندگی انسان خواهد داشت؟ با چه روشی می‌توان به این سؤال‌ها پاسخ داد؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

تا آنجا که پژوهشگر، کنجکاوی نموده است، اثر مستقلی تحت عنوان این سؤال پژوهش نیافته است؛ ولی منابع متعددی که بتوان به تبیین فلسفه این موضوع پرداخت وجود دارد. که در متن مقاله و فهرست منابع نام آنها آمده است. ضمناً این پژوهش به شیوه کیفی انجام گرفته است و در این رابطه، داده‌های مورد نیاز از منابع معتبر استخراج و بر اساس

سؤال های پژوهش، طبقه بندی و مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. در رابطه با موضوع این مقاله، سؤال های زیر مورد بحث قرار می گیرند:

الف- از حمد و ثنای الهی چه مفهومی می توان داشت؟

ب- چه کسی حمد و ثنای الهی را به انسان امر نمود؟

ج - معارف مربوط به حمد و ثنای الهی چه می باشند؟

د- آثار آموزه های تربیتی حمد و ثنای الهی چه می باشند؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این پژوهش، سرآغاز بودن حمد و ثنای الهی در آموزه های پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) می باشد. در قرآن مجید هم، در سرآغاز آموزه های خداوند به جز سوره توبه، ذکر نام خداوند بخشنده و مهربان، در آغاز تعالیم الهی آمده است. این واقعیت، حکایت از اهمیت موضوع حمد و ثنای الهی در قرآن کریم و سنت و عترت دارد. ضرورت این پژوهش از همین جا بر ملا می شود که فهم فلسفه این سرآغازی، به انسان کمک می کند و او را هدایت می نماید که نگاه و بصیرت دقیقتری به هستی آفرین و جهان هستی داشته باشد. در ادامه این دانایی، برنامه ریزی بهتری برای روش زندگی خود بیابد. همین طور الگوی سالم تری برای زندگی هموعان خود ارائه نماید.

۲- بحث

۲-۱- مفهوم حمد و ثنای الهی

پیامبر اسلام و امامان معصوم، در ابتدای ادعیه، خطبه ها، نامه ها، زیارت نامه ها و به طور کلی تعالیم خود، حمد و ثنای الهی دارند. این جایگاه، اهمیت و ضرورت آن را در تعالی یافتن زندگی انسان نشان می دهد. حمد «ستایش و شکر است (منتهی الارب)، (اقرب الموارد). نقیض ذم و نکوهش. حمد اعم است از شکر و سپاسداری و به اصطلاح خاص، بیان کبریا و جلال عظمت حق سبحانه تعالی را گویند» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۸۰۷۷). «حمد،

عبارت از ستایش در مقابل صفات نیک اختیاری است؛ ولی مدح ستودن در مقابل صفات نیک، اعم از اختیاری و غیر اختیاری می باشد» طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۰).

شکر در مفهوم، معنای شناخت موضوعی را دارد که به واسطه اهمیت و نقشش در زندگی انسان به وسیله ابزار شناختی تجلی می یابد. شکر همان قدر دانی است که قدر به معنای اندازه و دانی به معنای دانستن است و در مجموع شکر برابر با شناخت موضوع ها و عمل به آنها است و خداوند کریم، ابزار شناخت بعضی از امور را به انسان عنایت نموده است تا از این طریق به درجه متعالی خود برسد؛ به طوری که امام سجاد حمد می گوید خداوند را به واسطه آگاهی هایی که به او عنایت کرده است که این حمد موجب حق شناسی و رشد و سعادت انسان می شود. «شکر، یعنی به کار بردن نعمت حق در مسیری که خداوند متعال، آن نعمت را برای آن آفریده است» (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۶)؛ پس حمد و ثنای الهی، عبارت است از شناخت خداوند خالق و رب جهان و انسان و وظایفی که او برای انسان مقدر نموده و انجام خالصانه این وظایف به قصد رضایت پروردگار و کسب سعادت دنیوی و اخروی؛ لذا می توان گفت که حمد یک تقدیر اولیه، پایه ای و اساسی در جهت گیری صحیح در استكمال نفس و عروج الی الله انسان است. «والحمد لله الّذی ركبّ فینا الات البسط، و جعل لنا ادوات القبض، و متعنا بارواح الحیات، و اثبت فینا جوارح الاعمال، و...» (علی بن الحسین زین العابدین، ۱۳۸۸: ۳۴)، یعنی: «حمد از آن خدایی است که ابزار بسط و گسترش را با ما در آمیخت و اسباب قبض را برای ما قرار داد و ما را با نشاط های زندگی کامیاب نمود و جوارح انجام اعمال در وجود ما آفرید...»، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ یعنی: «شکر و ستایش، نیست مگر از برای ذات واجب الوجود که موصوف است به جمیع صفات کمال و منزّه است از جمیع صفات نقص. حمد در لغت به معنی ستودن مطلق است و در اصطلاح، ستودن به زبان است کسی را به ازای صفات کمالیه اختیاریه، خواه آن صفات متعددی باشد به غیر؛ مثل «رحیم» و «کریم» و «رزاق» و خواه متعددی نباشد؛ مثل «وحدانیت» و «وجوب ذاتی» و «شکر» نیز در لغت ستودن مطلق است، خواه به زبان و خواه به جوارح و

اعضاء؛ اما به ازای نعمت و به شرط تعدی؛ پس «حمد» اخص است از شکر به اعتبار مورد و اعم است به اعتبار متعلق و «شکر» به عکس» (گیلانی، ۱۳۸۲: ۴) سؤال اساسی این است در آغاز چه کسی حمد و ثنای الهی را تجویز و تعلیم فرمود؟ در این حمد و ثنای الهی، چه معارفی در ابتدا به انسان تعلیم داده می شود؟ این معارف از چه نظمی برخوردارند؟

۲-۲- خداوند و حمد و ثنای الهی

در ارتباط با سؤال اول و با توجه به سوره حمد، می توان گفت: خداوند تبارک و تعالی حمد و ثنای الهی را به انسان تجویز و تعلیم فرمود. خداوند در قرآن کریم امر به بیان «حمد خداوند» می نماید و می فرماید: «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا (اسراء: ۱۱۱)» و بگو ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه ولی (و حامی) به خاطر ضعف و ذلت و او را بسیار بزرگ بشمر، «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۳) بگو حمد و ستایش مخصوص ذات خداست. به زودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست.»، «وَلَكِن سَأَلْتَهُمْ مِّنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (لقمان: ۲۵) هر گاه از آنها سؤال کنی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است مسلما می گویند الله، بگو الحمد لله (که خود شما معترفید)؛ ولی اکثر آنها نمی دانند.»، «وَلَكِن سَأَلْتَهُمْ مِّنْ نَّزْلِ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۳) و اگر از آنها پرسشی چه کسی از آسمان آبی نازل کرد و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش احیا نمود؟ می گویند: الله، بگو ستایش مخصوص خداست؛ اما اکثر آنها نمی دانند. امام علی (ع) در خطبه ای که در مسجد کوفه ایراد نمود، فرمود: «خداوند متعال افتتاح فرمود در کتاب کریمش به حمد و ثنای خود و تمام کرد امر دنیا و آمدن آخرت را به حمد و ثنای خود و فرمود: و قضی بینهم بالحق و قيل الحمد لله رب العالمين» (علم الهدی، ۱۳۶۲: ۱۴)،

خداوند روش بندگی و ستایشی که شایسته مقام او است، به بندگان خود می آموزد و شاهد زنده آن، همان جمله الحمد لله است» (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۲۱)، «امام صادق (ع) فرمود که پیامبر خدا فرمود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ را بسیار گویند. زیرا این ذکرها در روز واپسین آیند و [فرشتگانی] در پشت سر این ذکرها و پیش رو و دنباله رو آنها باشند و این ذکرها نیکی های ماندگارند» (صدوق، ۱۳۸۴: ۳۸)، اسناد فوق، گویای این مضمون است که فلسفه بیان معرفتی «حمد» این است که خداوند خالق و ربّ العالمین و مالک یوم الدین است و انسان مخلوق او و برخوردار از توانایی شناخت است. او باید در چنین عالم دینی و فضای اعتقادی به شناخت وظایف و برنامه زندگی خود پردازد و به آنها عمل نماید تا به کمالات لازمه خود برسد.

۲-۳- معارف مربوط به حمد الهی

در پاسخ به سؤال دوم و سوم، با مطالعه و بررسی محتوای مطالب مربوط به «حمد الهی»، می توان گفت که از تمامی علوم و دانش ها، راه ها و جهات مرتبت با سعادت دنیوی و اخروی انسان فهم می شود. شاید در یک نگاه سطحی، این درک و فهم حاصل نشود؛ ولی با تفکر و تعمق در حمدهایی که از ناحیه حضرت محمد (ص) و اهل بیت او وارد شده است، این معارف دانسته می شوند که به شرح زیرند:

۲-۳-۱- خداشناسی

پیامبر اسلام (ص)، در اولین خطبه خود در مسجدی که در دهکده «قبا» بنا کرد فرمود: «الحمد لله الذي احمدته واستعينه و استغفره و استهديه و اومن به و...» یعنی: «ستایش مخصوص خدایی است که من او را می ستایم و از او در کارها یاری می جویم و هم از او طلب آموزش می کنم و در راه های زندگی از او هدایت می خواهم، بدو ایمان دارم...» (علم الهدی، ۱۳۶۵: ۷) در ادامه خطبه در باره آفرینش جهان و قوانین حاکم بر آن و هدایت، مسئولیت، و پاداش و کیفر انسان در جهان آخرت رهنمود می دهد. حضرت محمد (ص) در خطبه غدیر، پس از حمد و ستایش خداوند می فرماید: «سرور اهل ایمان، پروردگار جهانیان

است، چنین خدایی سزاوار است که عموم آفریدگان در تمامی لحظات در حال خوشی و ناخوشی و در حال سختی و سستی او را سپاسگزاری نموده و ستایش گویند» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۳۷: ۱۳۱). پیامبر در این رهنمودها، حضور و نقش بی مانند خداوند را در زندگی انسان به وضوح بیان می دارد و حمد و ستایش خداوند را به منظور شناخت و عمل به وظایف الهی در زندگی صورت می پذیرد. او در «حجه الوداع»، در خطبه ای خدا را چنین حمد نمود: «حمد خدای را؛ او را می ستایم، از او کمک می خواهیم، آمرزشش را خواستاریم، به درگاهش توبه می کنیم. از شر نفس اماره و کارهای ناپسندمان به او پناه می بریم. هر که را خدا هدایت کند گمراه کننده ندارد و هر که را خدا به کیفر کردار زشت گمراه کند، راهنمایش نیست. شهادت می دهم که جز خداوند، خدایی نیست، یگانه است، شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر او است» (حرّانی، ۱۳۶۷: ۵۹). امام علی (ع)، در خطبه چهل و هشت، در ابتدای آن، حمد می نماید خداوند را به واسطه نعمت های بی پایانش و بخشش های جبران ناپذیرش و می فرماید: «ستایش مخصوص خداوند است، هر زمان شب فرا رسد و پرده ظلمت فرو افتد و ستایش از آن پروردگار است، هر زمان که ستاره ای طلوع و غروب کند و حمد ویژه خداوند است که نعمتش هرگز پایان نمی پذیرد و بخشش های او را جبران نتوان کرد» این تعبیرات اشاره به دو نکته می کند: نخست اینکه حمد و ستایش ما دائمی و همیشگی است و همان گونه که فرا رسیدن شب و فرو افتادن پرده تاریکی به طور مرتب تکرار می شود و تا دنیا بر پا است رفت آمد شب و روز برقرار است حمد و سپاس ما جاویدان می باشد و نیز، طلوع و غروب ستارگان همیشگی است، همچون حمد و ستایش ما. نکته دیگر اینکه تاریکی شب و طلوع و غروب ستارگان از نعمت های بزرگ پروردگار است. تاریکی شب به انسان، بعد از کار سنگین روزانه، آرامش و استراحت می بخشد. خداوند در آیات ۷۲ و ۷۳ سوره قصص، انسان را به این معرفت آگاه می نماید» (شیرازی، ۱۳۷۹: ۵۳۶).

امام سجاده (ع)، در دعای اوّل صحیفه سجاده، به حمد و ستایش خداوند می‌پردازد و در ابتدا می‌فرماید: «الحمد لله الاوّل کان قبله، والاخر بلا آخر یكون بعده؛ الذی قصرت رویته ابصار الناظرین و عجزت عن نعته اوهام الواصفین،»؛ یعنی: «سپاس خدایی را که اوّل است بی آنکه قبل از او اولی باشد و آخر است بدون اینکه پس از او آخری باشد، خدایی که چشم بینایان از دیدنش ناتوان و فکر توصیف‌کنندگان از وصف او عاجز است»، در تمامی تعالیم مربوط به پیامبر اسلام و امامان شیعه، خدا شناسی در آغاز و ابتدا قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، این تعلیم امری انتخابی و اختیاری از بین امور نیست؛ بلکه معرفتی فطری و موضوعی مبنایی و الهی است که تعلیم صحیح و صراط مستقیم از آن شروع می‌گردد.

۲-۳-۲- نظام آفرینش

امام صادق (ع) می‌فرماید: «العلم هو من کماله»؛ یعنی «علم از کمال خداست»، محمد بن علی بن بابویه قمی، در توضیح این مطلب می‌نویسد: «مقصود آن است که علم غیر او نیست؛ بلکه از صفات ذات او است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۰: ۱۸۷)؛ لذا صفات نامحدود خداوند، موجب آفرینش نامحدود پدیده‌ها در نظامی دقیق و قانونمند و هدفدار می‌گردد. هر پدیده‌ای در مدار ویژه خود و مرتبط با سایر پدیده‌ها و قوانین حاکم بر کل جهان در حال آفرینش (آمدن، شدن و رفتن) تا مدتی معین فرایند زندگی را طی می‌کند. در حمد و ثنای الهی به بیان این نظام آفرینش پرداخته می‌شود. در این رابطه امام علی بن ابی طالب می‌فرماید: «الحمد لله الذی لا یموت و لا تنقضی عجائبه، لانه کُلُّ یوم فی شأن من احداث یدیع لم یکن...» (کلینی، ۱۳۴۸: ۱۹۲) یعنی: «سپاس از آن خدایی که مرگ ندارد و عجایبش پایان نیابد؛ زیرا او هر روز در کار جداگانه‌ای است و آن ایجاد، چیز تازه‌ای است که سابقه نداشته است...»

حسین بن علی (ع)، در روز عرفه در سرزمین عرفات، در حمد و ستایش الهی، این معارف را بیان نمود: «حمد و ستایش مخصوص خدایی است که قضایش دافع و در بذل و

بخشش مانعی ندارد و صنعت هیچ صنعتکاری مانند پدیده های او نیست و اوست جواد و سعت دهنده، انواع مخلوقات را بیافرید و با حکمت خود صنایع را محکم نمود. پدیده ها از او مخفی نیست و امانت ها در نزد او ضایع نمی گردد. عمل هر عاملی را پاداش می دهد و هر قانعی را غنی می سازد و به هر ناله کننده ای رحم می کند. نازل کننده منافع است و به وسیله نوری نوری، کتاب جامع را نازل کرد» (موسوی آل اعتماد، ۱۳۸۱: ۵۳) اسناد مذکور، بیانگر این نکته است که انسان هر کدام از مخلوقات الهی را شناخت و جایگاه ارزشی و کارکردی آن را در نظام خلقت درک نمود، باید آن را به خدا نسبت دهد و حمد و ثنای الهی را به جا آورد. با انجام حمد و ثنای الهی به تدریج فضای اعتقادی انسان شکل می گیرد و ایمان به خدای یکتا فزونی می یابد. خلقت انسان از چنین جایگاه شناختی و عملکردی برخوردار می باشد که جای شکر و سپاس الهی پیدا نموده است.

۲-۳-۳- خلقت انسان

حسین بن علی (ع) در حمد و ثنای الهی، این گونه از انسان یاد می کند: «آغاز نعمت تو نسبت به من آن گاه بود که هنوز من چیز قابل توجهی نبودم؛ سپس مرا از خاک آفریدی و آن گاه در اصلا ب جایم دادی تا از حوادث روزگار و زمان ها محفوظ بمانم. پیوسته از صلب پدر و به رحم مادری بودم،... آفرینش مرا از نطفه آغاز کردی و در تاریکی های سه گانه جای دادی؛ میان خون و گوشت و پوست. مرا از کیفیت خلقت خود آگاهم ساختی و در هیچ امری از خلقتم، مطلبی را به من واگذار نمودی؛ سپس در زمان هدایت به دنیا آوردی؛ در حالی که کامل و سالم بودم و در گهواره، آن گاه که طفل کوچکی بودم، حفظ نمودی و از شیر گوارا تغذیه و روزیم دادی و دل های نگاهداران مرا به من مهربان نمودی. مادران مهربان، مرا سرپرستی کردند و مرا از حوادث اجنه محافظت فرمودی و از زیادی و نقصان سالم قرار دادی؛ پس بلند مرتبه ای، ای رحیم ای رحمان تا اینکه زبان به سخن گشودم و به من نعمت های فراوان دادی و در هر سال بیشتر تربیت نمودی تا اینکه فطرتم کامل گردید و نیرویم به اعتدال در آمد و حجت خود را بر من تمام کردی به این

که معرفت خودت را به من الهام نمودی، و در عجایب حکمت های خویش، مبهوتم کردی و با پدیده های خود در آسمان و زمینت هوشیارم نمودی و برای سپاسگزاری و یادت آگاهم کردی و طاعت و عبادتت را بر من واجب و آنچه پیامبرانت آوردند، به من تفهیم نمودی و پذیرش خشنودیت را برایم آسان نمودی...» (موسوی آل اعتماد، ۱۳۸۱: ۵۵).

امام علی(ع) در رابطه با خدا و انسان و ربوبیت الهی، در حمد و ثنای خود می گوید: «الحمد لله الملهم عباده حمده و فاطرهم علی معرفه ربوبيته الدال علی وجوده بخلقه..» (همان: ۱۹۰)؛ یعنی «ستایش خدای راست که ستایشش را به بندگان خود الهام فرمود و شناسایی ربوبیتش را سرشت ایشان ساخت؛ به وسیله خلقتش بر وجود خود رهنمون گشت..»، امام جواد(ع) فرمود: «الحمد لله رب العالمین الی آخرها الم تر أن الله سخر لكم ما فی الارض و الفلک تجری فی البحر بآمره...» (سید ابن طاووس، ۱۳۸۶: ۸۴)؛ یعنی «سپاس، مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است، آیا نمی بینی که خداوند هر آنچه در زمین است، برای شما مسخر نموده و کشتی با امر او در دریا جریان پیدا می کند...»، آنچه خداوند به انسان تکلیف نموده است، بیش از توان او نیست. امام سجاد(ع) در حمد و ثنای الهی خود می فرماید: «لَمْ يُكَلِّفْنَا أَلَا وُسْعًا» (همان: ۳۶)؛ یعنی «همانا وظیفه سنگینی که توان انجامش را نداشتیم از دوشمان برداشت» با توجه به این اسناد انسان باید خود را بشناسد و شکر و سپاس خداوند را به جا آورد. آنچه خداوند به ما ارزانی داشته است، از نعمت های الهی اند.

۲-۳-۴- بعثت پیامبر خاتم

انسان موجودی است که جهت طی کردن مسیر تحول و کمال خود نیاز به مربی و هدایت کننده دارد. انسان با تکیه بر توانمندی های خود، نمی تواند به اهداف و هدف غایی خود دست یابد. فلسفه بعثت انبیاء الهی به همین سبب است. اگر آنها از جانب خداوند مبعوث نمی شدند؛ قطعاً بشر از آن معارفی که بر پیامبران نازل می شد و به بشر ابلاغ گردید، بی خبر بودند و تفاهمی که امروز در بین پیروان دین الهی وجود دارد وجود

نمی داشت و در نتیجه، بحران ناسازگاری اجتماعی حاکم می گشت و ناامنی به اوج خود می رسید. اطلاع از وجود قیامت و وظایف دینی انسان و بازخواست اخروی، از عوامل مهمی است که جلوی خطاهای انسان را می گیرد. امام علی بن ابی طالب (ع)، در این رابطه فرمودند: «خدای سبحان، برای وفای به وعده خود و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد (ص) را مبعوث کرد؛ پیامبری که از همه پیامبران، پیمان پذیرش نبوت او را گرفته بود، نشانه های او شهرت داشت. تولدش بر همه مبارک بود. در روزگاری که مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته های گوناگون و روش های متفاوت بودند؛ عده ای خدا را به پدیده ها تشبیه کرده و گروهی نام های ارزشمند خدا را انکار و به بت ها نسبت می دادند و برخی به غیر خدا اشاره می کردند؛ پس خدای سبحان، مردم را به وسیله محمد (ص) از گمراهی نجات داد و هدایت کرد و از جهالت رهایی بخشید؛ سپس دیدار خود را برای پیامبر برگزید و آنچه نزد خود داشت برای او پسندید و او را با کوچ دادن از دنیا گرامی داشت و از گرفتاری ها و مشکلات رهایی بخشید و کریمانه قبض روح کرد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۳۸). امام سجاده در این رابطه می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ» (علی بن الحسین زین العابدین، ۱۳۸۸: ۳۸)؛ یعنی «می ستایم خداوندی را که با فرستادن پیامبرش (ص) بر ما منت گذارد.» پیامبران الهی، رهنمودهای تربیتی الهی را به انسان های عصر خود ابلاغ نموده اند که آخرین آنها حضرت محمد (ص) و کتاب هدایت و تعلیم و تربیت انسان، قرآن کریم است. سپاس این نعمت های الهی بر انسان واجب است.

۲-۳-۵- نعمتهای الهی

در حمد و ثنای خداوند، ذکر نعمت های او آمده است؛ به طوری که حضرت فاطمه زهرا (س) در یکی از خطبه هایش می فرماید: «الحمد لله علی ما انعم، و له الشکر علی ما الهم، والثناء بما قدّم، من عموم نعم ابتدأها، وسبوع الاء اسداها، و تمام منن والاها...» (قزوینی، ۱۳۶۴: ۳۳۷)؛ یعنی: «حمد خدای را بر آنچه انعام فرموده و شکر او را در آنچه الهام نموده

و ثنا و شکر بر او و بر آنچه پیش پیش داده، از عموم نعمت هایی که خلق فرموده نعمت های فراوانی که به انسان ها عطا فرموده و تمام منتها و نعمت هایی که پیاپی فرو فرستاده است، یکی از راه های افزایش نعمت ها، و جاودانه شدن آنها، شکرگذاری است. هر مقدار انسان در برابر نعمت های الهی سپاسگذار باشد و شکر کند؛ به همان میزان نعمت ها فزونی می گیرند. امام حسین (ع) می فرماید: «شکرک لنعمة سالفه یقتضی نعمة آنفه» (دشتی، ۱۳۷۷: ۵۴۲)؛ یعنی «سپاس تو در نعمت های گذشته، نعمت های آینده را به همراه می آورد.» انسان باید این نعمت ها را بشناسد و بر اساس آنها عمل کند. امام صادق (ع) می فرماید: «آن را که نعمت داده شکر گویی، و به آنکه شکر کردت گوید نعمت بخش که نعمت با سپاس زوال نپذیرد. با ناسپاسی نیاید، شکر باعث مزید نعمت و امان از فقر است» (حرانی، ۱۳۶۷: ۵۷۵). پیامبر اسلام فرمود: «چون خداوند به تو نعمتی می دهد، نشان نعمت و سخاوتش را در خویش پدیدار کن» (احمدیان، ۱۳۸۵: ۲۸۷). از مطالب مذکور می توان چنین دانست که نعمت های الهی، تقدیرات الهی اند برای تجلّی و تدبیر الهی که در این تجلّی و تدبیر، مخلوقات وجود و حیات می یابند، سیر تحول پیدا می نمایند و به وظایف مقدره خود عمل می کنند تا به هدف لازمه برسند. در این رابطه انسان با شناخت نعمت های مربوط به خود و به کارگیری آنها در موقعیت های مناسب، می تواند سیر تحول و تعالی خود را انجام دهد؛ بنابراین انسان دارای وظایفی در این رابطه است که در نظام تربیتی پیامبر خاتم و اهل بیت او جایگاه حمد و ثنای الهی را یافته است.

۲-۳-۶- نعمت های الهی و وظایف انسان

امام علی (ع)، می فرماید: «حمد و سپاس مر خداوندی راست که آفریننده خلق است و شکافنده نور صبح از ظلمت شب و زنده کننده مردگان و بر انگیزاننده مردمان از گورها است و شهادت می دهد به اینکه نیست خدایی به جز او که یگانه و بی همتا است و گواهی می دهد که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست. بندگان خدا، بهترین چیزی که وسیله قرار دهند، توسل جویندگان به سوی خدای عزه ذکره، ایمان به خدا و رسول خدا است و

ایمان به آنچه پیغمبر از جانب خدا آورده و جهاد در راه خدا که بلند مرتبگی اسلام است و دیگر، کلمه اخلاص است که خلقت بندگان به آنست و به پا داشتن نماز که دین حق است و دیگری، دادن ذکات که آن فرض است و دیگر ماه رمضان که او سپری است محکم و دیگر حج و عمره که آن دو نیازمندی را بر طرف می‌کند و کفاره گناهانند و باعث دخول در بهشت می‌شوند و دیگر پیوند کردن ارحام و خویشاوندان که موجب زیادتی مال و عقب انداختن آجال و زیاد شدن اهل و اولاد است و تصدق گناهان را محو می‌کند و غضب خداوند را می‌نشاند و تصدق آشکار، مرگ‌های بد را دفع می‌کند و کارهای نیک از هلاکت‌های بد، نگهدار است. ای مردم بشتابید به سوی ذکر خدا که بهترین ذکرهاست.» (علم الهدی، ۱۳۶۵: ۱۳۵). امام علی (ع) در خطبه‌ای دیگر، در حمد خداوند متعال نسبت به انجام وظایف خود چنین می‌فرماید: «حمد و سپاس مر خداوندی راست که از رحمتش نومید نیستم و از عبادت و فرمانش سر پیچی نمی‌کنیم، آن خداوندی که به امرش آسمان‌ها بر پاست و زمین پا بر جاست و کوه‌های بلند، ثابت و برقرار است و بادهای آبتن‌کننده را جریان داده و ابرها را در فضای آسمان روان ساخته صاحب برکت است پروردگار عالمیان»، (همان: ۳۱۸) کسی که وظایف الهی خود را انجام دهد، سعید است. امام سجاد می‌فرماید: «وَالسَّعِيدُ مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ» (همان: ۳۶)؛ یعنی «سعادت‌مند است آنکه مشتاقانه او را اطاعت نماید». نتیجه آنکه هر جا انسان وظیفه‌ای از وظایف الهی خود را درک می‌نماید، لازم است که حمد و ثنای الهی را به جا آورد و مبادرت در انجام به موقع آن باشد.

۲-۳-۷- قیامت و دریافت نتیجه نیات و اعمال

امام سجاد (ع) در بخشی از حمد و ثنای الهی خود، به ذکر عنایت خداوند در نعمت‌های خود تا روز قیامت به انسان می‌پردازد و می‌فرماید: «اورا سپاس به خاطر تمام نعمت‌هایش که به ما و بندگان پیشین، حال و آینده‌اش ارزانی می‌دارد و بر تعداد آنها فقط علم خدا احاطه دارد. سپاس چند برابر نعمت‌هایش، سپاسی ابدی و دائمی تا روز قیامت. سپاسی

نامحدود و بی‌منتهاست و به شماره نیاید و به انتها نرسد و مدتش پایان نگیرد. حمدی که ثمره آن فرمانبرداری او و بخشش باشد و سبب خشنودی گردد و وسیله آموزش و راهی به سوی بهشت شود «همان: ۳۷»، همچنین امام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: «الهی بر محمد و آل او درود فرست و مرا از میانه‌روی بهره مند ساز و در زمره درستکاران و راهنمایان راه حق و بندگان صالحت قرار ده. رستگاری در قیامت و ایمنی از عذابت را روزیم ساز» «همان: ۱۳۰». خداوند در سوره قیامت و دراو کین آیه، می‌فرماید: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ»؛ یعنی «سوگند یاد می‌کنم به روز رستاخیز»؛ سپس انسان را آگاه می‌نماید به اینکه قیامت به طور قطع به وقوع خواهد پیوست و انسان‌ها نتایج نیات و اعمال نیک و بد خود را دریافت خواهند داشت. آگاهی از این واقعیت موجب می‌گردد تا انسان مراقبت بر افکار و اعمال خود داشته باشد و به درستی زندگی نماید و از حریم حقوقی خود خارج نگردد و به حقوق حقه دیگران احترام گذارد. این دانایی مستوجب حمد و ثنای الهی است و باید خدا را سپاس گفت که انسان را به مسائل آخرت آگاه نمود. این آموزه‌ها دارای آثار تربیتی اند که به شرح زیر قابل استنباط می‌باشند.

۲-۴- آثار تربیتی آموزه‌ی حمد و ثنای الهی

انسان که پا به این دنیا می‌گذارد، به تدریج که رشد می‌نماید، یک نیاز فطری و ذاتی در او بروز پیدا می‌کند، آن «تیین جهان است». او نیاز دارد که بداند جهان چگونه آغاز گردیده؟ چه فرایندی طی می‌کند؟ سرانجام به کجا پایان می‌یابد؟ این دانش‌ها به او کمک می‌کند تا برای چگونگی زندگی خود، یک برنامه معنادار، مفید و هماهنگ با عالم خارج داشته باشد؛ بدون این دانش‌ها، زندگی بر مبانی استوار و قابل اعتمادی بنا نمی‌شود و صورت صدفه و تاریک پیدا خواهد کرد. شکست‌ها و ناکامی‌ها پی در پی برای فرد به وجود می‌آید، اضطراب و افسردگی ذهن را فرا می‌گیرد و در آن محبوس می‌شود؛ لذا تعلیم این دانش‌ها، سرآغاز فعالیت‌های تربیتی است. امام سجاده (ع)، در حمد و ثنای الهی این دانش‌ها را به انسان می‌دهد و یک فضای مناسبی برای برنامه‌ریزی زندگی فراهم می‌نماید.

انسان مانند سایر موجودات باید مرتبط با خدا و نظام آفرینش و قوانین حاکم بر آن زندگی نماید؛ در این رابطه وجه ممیز انسان با سایر موجودات در شناخت شناسی او است. انسان باید نسبت به خود و جهان خارج از خود، شناخت پیدا کند و بر اساس آن، برنامه ریزی و زندگی نماید. در حمد و ثنای الهی، این شناخت و جهت دهی به انسان داده می‌شود. همه امور مربوط به زندگی تعالی بخش، مرتبط با خداست. به قول امام صادق (ع): «هر که به یاد خدا است، نه به زبان تنها؛ بلکه به دل و زبان و به ظاهر و باطن، متوجه جناب اوست» (گیلانی، ۱۳۸۲: ۵۲)، این شخص می‌تواند حقایق را درک کند و بر اساس آنها رفتارهای روزانه خود را شناسایی و عملیاتی نماید. هرچه خداوند خلق کرده است، نعمت است. نعمت‌های الهی را باید در جای خود استفاده نمود و به معصیت صرف نکرد؛ خواه این نعمت‌ها داخلی باشند و یا خارجی. توفیق در این راه نیاز به راهنمایی و تعلیم و تفکر و عمل است. هر نعمتی از خداوند که به انسان می‌رسد، باید حمد خداوند را به جای آورد که این حق شناسی در دریافت فیوضات دیگر الهی مؤثر است. امام صادق (ع)، فرمود: «در تورات نوشته شده است: از کسی که به تو نعمت داده تشکر کن و به کسی که از تو تشکر کرده، نعمت عطا کن؛ چون اگر شکر نعمت‌ها به جا آورده شوند، از بین نمی‌روند و اگر کفران و ناسپاسی آنها شود، از بین می‌روند. شکرگزاری باعث زیاد شدن نعمت و مصون ماندن از حوادث روزگار است» (حرّعاملی، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

در حمد و ثنای الهی، محتوا، اهداف و روش‌های تربیتی قابل شناسایی اند. بر اساس محتوای متن‌های مربوط به حمد و ثنای الهی از پیامبر خاتم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت، می‌توان برنامه‌چگونگی زندگی کردن را تهیه و اجرا نمود و به آینده نیکویی امیدوار بود.

حمد و ثنای الهی در همه انسانها، وحدت و اعتصام به جبل‌الله، اخوت و یگانگی و همدلی به وجود می‌آورد. حمد و ستایش الهی به انسان‌ها می‌آموزد که یگانه راه

زندگی اجتماعی آسوده و آرامش روحی، فهم و عمل به دستورات و هدایت های الهی است.

حمد و ستایش الهی سبب می شود تا انسان در خوشی ها دچار کبر و غرور و در سختی ها گرفتار یأس و نومیدی نگردد و همواره در مسیر درست به پیش رود. در واقع یک پیشگیری در عدم ابطلا به بیماری های روحی و در مواردی هم درمان و نجات از ابتلای به این گونه بیماری ها است.

ذکر خداوند، در شروع هر کاری لازم می نماید و در پایان آن حمد خداوند را به جای می آورد تا آن کار مشروعیت یابد و خلاف امر خداوند انجام نپذیرد و مخالف با فطرت و سعادت دنیوی و اخروی انسان نباشد؛ مثل ذکر نام خدا در شروع غذا خوردن و ذکر حمد خدا در پایان آن.

در حمد و ستایش الهی، انسان می آموزد که در یک نظام آفرینش قانونمند و حسابگر زندگی می کند. او باید در این نظام، قوانین مربوط به چگونه زندگی کردن خود را بشناسد و بر اساس آنها زندگی نماید. او نمی تواند بر اساس تمایلات نفسانی خود عمل کند؛ زیرا اعمال دلبخواهی موجب ورود به حریم حقوق طبیعی دیگران می شود و فساد به وجود می آورد.

حمد و ستایش الهی یادآوری نعمت های الهی و پرورش روحیه قدردانی در انسان می گردد که این خود یکی از نشانه های تربیت درست است. انسان قدردان مورد احترام همگان می باشد. کسی که در مقابل دستورات خداوند منعم، دارای خضوع و خشوع است؛ قطعاً قدردان محبت های دیگران نسبت به خود است و قابل اعتماد در عقود و قراردادهای دوستی ها می باشد.

انسان در حمد و ثنای الهی می آموزد که برای انسان، زندگی دنیوی و اخروی است و او در دنیا، دارای وظایفی است؛ لذا تمامی نیت و اعمال او ثبت و ضبط می گردند و نتیجه آنها را به طور کامل در جهان آخرت دریافت خواهد کرد. این آموزش و تمرین

سبب می شود که انسان همواره با بصیرت و آگاهانه عمل کند و در افکار و اعمال خود دقت لازم را داشته باشد و از هوای نفس پیروی ننماید و آرزوهای دور و دراز نداشته باشد.

در حمد و ثنای الهی، تمامی حقایق مربوط به انسان بیان می گردد. این حقایق معارفی هستند که انسان جهت برنامه ریزی مناسب به آنها نیازمند است. انسان با شناخت این معارف، آن عالم دینی و فضای فکری مناسب را برای خود به دست می آورد. آگاه یابی انسان از مسائل آخرت سبب مراقبت انسان از خود می گردد تا گرفتار نیات و اعمال گناه نگردد و در صراط مستقیم به تدریج تحول و تعالی یابد و در این رابطه همواره حمد و ثنای الهی را داشته باشد.

۳- نتیجه گیری

انسان که پا به این جهان می گذارد، در ابتدا شناختی از اموری که او را فرا گرفته، ندارد؛ ولی به تدریج با زبان و نام پدیده ها و امورات اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی آشنا می گردد و یک باور از چگونگی زندگی برای خود می سازد. محتوای این باور چیست؟ بسیار مهم است. در این اعتقاد و باور چه تبیینی از هستی دارد؟ سؤال بسیار با اهمیتی است که همواره فکر و ذهن انسان را به خود مشغول می نماید. افکار و عقاید متعدد از این سؤال نشئت می یابد. در این سؤال منشأ هستی، فرایند و سرانجام آن مورد تحقیق و پژوهش و یافتن پاسخ های مناسب است؛ لذا ارزش های انسان از همین پژوهش ها و باورها زاده می شوند و تقدس پیدا می کنند. انسان ها بر اساس این ارزش ها زندگی می نمایند و از آنها دفاع می کنند، چنانچه زندگی فرهنگی - اجتماعی و حکومتی از ارزش های شناخته شده درستی بر خوردار نباشد، اختلال و نزاع به وجود می آورد و وحدت جامعه به هم می ریزد. به نظر می رسد، دست یابی به یک نظام ارزشی، آن هم در این جهان وسیع و ناشناخته کاری بسیار دشوار است. احتمال اینکه انسان ها بتوانند به چنین دانشی دست پیدا کنند، بسیار کم است. فلسفه بعثت انبیاء الهی

و ابلاغ پیام های خداوند به انسان، در تبیین منشأ خلقت، نظام آفرینش، فرایند و سرانجام آن و درک ارزش ها، درهمین راستا می باشد تا بدین وسیله باور درست و وحدت در جامعه بشری به جود آید و نزاع ها فروکش نمایند.

در حمد و ثنای الهی، حقایق و مفاهیم اساسی مربوط به ساختار زندگی انسان وجود دارد. در این ساختار، خداوند به استناد سوره «توحید»، الله، احد، صمد، لم یلد، لم یولد و لم یکن له کفوا احد است. الله، منشأ خلقت، فرایند و سرانجام آن می باشد. الله، «رب العالمین، مالک یوم الدین» است. او برای انسان وظایفی معین نمود و در صراط مستقیم قرار داد تا در سایه اجرای فرامین الهی زندگی نماید و به کمالات لازمه خود دست یابد؛ لذا هر فعالیتی را باید با نام خدا شروع نمود و در پایان حمد و ثنای الهی را به جای آورد تا حق مطلب ادا شود و انسان در حال تزکیه باشد و درک حکمت ها میسر شود.

امام موسی کاظم (ع)، ساختار زندگی [عقاید] خود را در وصیت نامه اش چنین می نویسد: «گواهی بر وحدانیت خداوند یکتا، گواهی بر رسالت محمد (ص) و اینکه قیامت بی شک خواهد آمد و خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و زندگی بعد از مرگ حق است و حساب و قصاص حق است و ایستادن و توقف نمودن در مقابل خداوند عزوجل حق است و آنچه را روح الامین نازل کرده است، حق است و فرمودند با این عقاید زندگی می کنم و با این می میرم و با همین اعتقادات بعد از مرگ زنده خواهم شد، ان شاء الله» (صدوق، ۱۳۸۴: ۶۳).

براساس اسناد ارائه شده، جایگاه حمد و ثنای الهی در تعلیم و تربیت انسان روشن گردید؛ به طوری که با حمد و ثنای الهی، می توان حقایق زندگی را دانست و به آنها عمل نمود و تعالی یافت. این همان شکر است که موجب فزونی نعمت می گردد و این جز مقدرات الهی است؛ لذا توصیه می شود که در سوره «حمد» و «توحید»، تفکر و تأمل لازم صورت پذیرد. حمد و ثنای الهی را با معارف وسیع و عمیق آن درک کرد

و بیان و عمل کرد و کمالات لازم را کسب نمود و الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک يوم الدين ایا ک نعبد و ایا ک نستعین اهدنا صراط المستقیم...، روشنی بخش زندگی گردند؛ بنا براین تحقیق، حمد و ثنای الهی این آثار را در زندگی انسان به جای خواهد گذاشت:

الف- تقویت ایمان به خداوند هستی آفرین.

ب - آشنایی و بصیرت پیدا کردن به نظام آفرینش و رابطه آفریده ها با هستی آفرین.

ج- آشنایی با فلسفه خلقت انسان و بعثت انبیاء.

د- آشنایی با نعمت های الهی و وظایف انسان.

ه- آشنایی با جهان آخرت و رابطه آن با انسان.

و- ایجاد زمینه و برقراری یک رابطه درست با هستی آفرین و آفریده هایش.

ز- شناسایی و کشف و طراحی یک برنامه موفق برای زندگی رو به تکامل.

ح- دارا شدن تربیت درست (طاعت و بندگی خالصانه) در دنیا و برخوردار شدن از حسنۀ آخرت.

فهرست منابع

۱- قرآن کریم.

- ۲- نهج الفصاحه. (۱۳۸۵). ترجمه ابراهیم احمدیان. تهران: گلستان ادب.
- ۳- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه محمددشتی، قم.
- ۴- ابن بابویه قمی محمدبن علی. (۱۳۹۰). **التوحید**. ترجمه محمدقنبری تهران: دانک، قم.
- ۵- افلاطون. (۱۳۳۶). **جمهوری**، ج ۲، ترجمه منوچهر لطفی. تهران: امیر کبیر.
- ۶- دشتی محمد، فرهنگ سخنان امام حسین. (۱۳۷۷). قم: مؤسسه امیر المؤمنین.
- ۷- دهخدا علی اکبر. (۱۳۷۳). **لغت نامه**. ج ۶. تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- حرّانی ابومحمدالحسن بن علی بن الحسین بن شعبه. (۱۳۶۷). **تحف العقول**. ترجمه جنتی. تهران: مؤسسه امیر کبیر.
- ۹- حرّاملی. (۱۳۹۲). **جهاد با نفس** (از وسایل الشیعه). ترجمه لطیف راشدی. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- ۱۰- سید ابن طاووس. (۱۳۸۶). **مهج الدعوات**. ترجمه: م. عطایی. قم: چاف.
- ۱۱- شیرازی مکارم و همکاران. پیام امام (شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- علی بن الحسین زین العابدین. (۱۳۸۸). **صحیفه سجاده**. ترجمه حامد رحمت کاشانی. تهران: شرکت تعاونی کار آفرینان فرهنگ و هنر.
- ۱۳- علم الهدی. (۱۳۶۵). **نهج الخطابه**، ج ۱. تهران: کتابخانه صدر.
- ۱۴- علم الهدی. (۱۳۶۵). **نهج الخطابه**، ج ۲. تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۵.
- ۱۵- صدوق. (۱۳۸۴). **عیون اخبار الرضا**، ج ۱. ترجمه علی اکبر غفاری، چ ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ۱۶- صدوق. (۱۳۸۴). **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**. ترجمه صادق حسن زاده. قم: ناشر فکر آوران.
- ۱۷- طباطبایی سید محمد حسین. (۱۳۶۶). **تفسیر المیزان**، ج ۱، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه امیر کبیر.
- ۱۸- قزوینی سید محمد کاظم. (۱۳۶۴). **فاطمه الزهراء**، ترجمه حسین فریدونی. تهران: نشر آفاق.
- ۱۹- کلینی. (۱۳۴۴). **اصول کافی**. ج ۱، ترجمه جواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۹- گیلانی عبدالرزاق. (۱۳۸۲). **مصباح الشریعه؛ منسوب به امام صادق**. تهران: کانون راه حق.
- ۲۰- مجلسی محمد باقر. (۱۳۶۳). **بحار الانوار**، ج ۳۷، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱- مطهری مرتضی. (۱۳۷۹). **شناخت**. تهران: صدرا، چ ۱۴.
- ۲۲- موسوی آل اعتماد سید مصطفی. (۱۳۸۱). **انوار حسینی**. قم: دفتر الطیار.